

## تجاوز جنسی به مهتاب، کارگر 15 ساله را

نباید بی پاسخ گذاشت.

### فرهادشعبانی

خبر چنین گزارش شده بود.

"دختری کارگر به نام مهتاب احمدزاده، سن 15 سال، اهل پیرانشهر که همراه خانواده اش در یک کارگاه پرورش مرغ ( مرغداری ) در شهر نقده کار می کرد، توسط کارفرمایش مورد تجاوز جنسی قرار گرفت. او رنج و آزارهای روحی ناشی از این جنایت را تحمل نکرد و دست به خود سوزی زد. مهتاب در محل کارش جان سپرد".

متأسفانه این خبر توجه بسیاری از خبرگزاریها و سایتهای اینترنتی را بخود جلب نکرد. در صورتیکه مورد مهتاب تنها نمونه ائی از هزاران جنایت این چنینی است که هر روز در محیط های کار و جامعه مصیب زده ایران و کردستان اتفاق می افتد.

این خبر را در محیط کارم مطالعه کردم. محیط کاری که بیش از 30 درصد کارگرانش را زنان تشکیل می دهند و مطابق قانون و مقررات حاکم تجاوز جنسی که سهل است، هرگونه آزار لفظی جنسی از جانب هر مقامی "گرچه به ندرت اتفاق می افتد"، و در صورت عدم هوشیاری تشکلهای کارگری در محیط کار می تواند افزایش یابد، اما ممنوع و جرم است و کمترین پیامدش می تواند از دست دادن کار باشد.

تجاوز جنسی به مهتاب، کارگر 15 ساله، نوجوان محنت کشیده ائی که آن سرمایه دار حیوان صفت حتی به تن رنجدیده و استثمار شده اش رحم نکرد و با این وحشیگری او را وادار کرد که پیکر رنجور و مورد تجاوز جنسی قرار گرفته اش را به شعله های آتش بسپارد را هنوز هم نتوانسته ام از ذهن دور کنم.

مهتابی که نه در پی زرق و برق، بلکه در نتیجه فقر و فلاکت و در پی لقمه نانی، خود و خانواده اش تن به مهاجرت می دهد، این چنین طعمه درنده ائی حیوان صفت شد و دردهای ناگفته و آرزوهای در دل مانده اش را با خود به گور برد. مهتاب نمونه ائی از هزاران رویداد مشابهی است که در جامعه بلا زده ایران و گرفتار آمده در دام مصائب سرمایه داری هر روز تکرار می شود و قربانی می گیرد.

مرگ دلخراش مهتاب را تنها با پاسخی در خور به بانی این جنایت می توان تسکین داد، و این پاسخ می تواند چنین باشد.

اعتراض و بروز خشم و نفرت از وادار کردن مهتاب به خودسوزی برای تشکلهای و فعالین جنبش کارگری از چند زاویه مهم است.

اول اینکه مهتاب یک کارگر کم سن و سال بود که اصولاً "بکارگیری نیروی کارش در این سن و سال باید جرم محسوب شود.

دوم اینکه مهتاب نوجوان زیر 18 سالی بود که مورد تجاوز قرار گرفت. تجاوز اگر جرم است که هست. تجاوز به دختری پانزده ساله به طریق اولی و باید جرم سنگینی باشد.

و سوم اینکه مهتاب کارگر در محیط کارش، (مکانی که کارگر در آن باید از امنیت کامل برخوردار باشد) نه تنها مورد تجاوز قرار می گیرد، بلکه در نتیجه این تعرض سرمایه دار صاحب کارگاهش دست به خود سوزی می زند و در محیط کارش جان می سپارد. مرگ او یک سانحه محیط کار است، سانحه ائی عمدی که مسبب اصلی آن کارفرماست. کارفرما اگر در مقابل هر سانحه دیگری در محیط کار اتوماتیک مسئول و مجرم است، در این مورد معین خود در این سانحه محیط کار که به مرگ یک کارگر دختر 15 ساله منجر شده است، مستقیماً مسئول و بدون تردید متهم ردیف اول است.

از اینرو برای حفظ امنیت کارگران اعم زن و مرد در محیط کار، برای جلوگیری از تکرار چنین فجایعی در جامعه و بویژه در محیط های کار، اعتراض جمعی و گسترده کارگران، فعالین کارگری و تشکلهایشان به

مرگ مهتاب توسط کارفرما را باید به بستری برای مبارزه وحدت همه فعالین کارگری علیه سرمایه داران و جنایت‌هایشان تبدیل کنیم.

در این اعتراضات باید خواستار محاکمه صاحب این کارگاه بجرم تجاوز جنسی به دختری زیر 18 سال، تجاوز به کارگری کم سن و سال که به عاملی برای دست زدن او به خودکشی و مرگ در محیط کار گریه و بعنوان سانحه ائی عمدی در محل کار بحساب می آید، شد. این صاحب کار را باید و بدون تردید به اتهامات فوق مورد محاکمه قرار داد بطوریکه تا پایان عمر ننگینش در زندان بماند.

ایکاش تاکنون شاهد صدور دهها و صدها اطلاعیه و بیانیه در محکومیت تجاوز به مهتاب می بودیم. دفاع از امنیت کارگران بخصوص در محیط کار وظیفه فعالین و تشکلهای کارگری و مبنائی برای وحدت است.

غم و اندوه مرگ دلخراش مهتاب و همه قربانیان چنین جنایت‌هایی را که توسط سرمایه داران و حامیان‌شان هر روز صورت می گیرد را به نیروئی برای تداوم مبارزه طبقه مان علیه این جنایت پیشگان تبدیل کنیم.